



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: مقدمات
موضوع جزئی: مقدمه هفتم: فی المراد بالغنیمه (امر دوم: غنیمت در قرآن)
سال چهارم
تاریخ: ۱۳ مهر ۱۳۹۲
مصادف با: ۲۹ ذی القعدة ۱۴۳۴
جلسه: ۱۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در معنای غنیمت به حسب لغت و استعمالات قرآنی و نظرات فقها و مفسرین بود همچنین استعمالات روایی غنیمت؛ ما معنای غنیمت در لغت را بررسی کردیم.

امر دوم: غنیمت در قرآن

اما استعمالات قرآنی غنیمت باید بررسی شود تا ببینیم غنیمت و مشتقات آن در قرآن به چه معنایی به کار رفته است. در شش موضع و آیه از مشتقات غنیمت و غنم استفاده شده است:

آیه اول: نساء / ۹۴

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» این آیه اجمالاً معنایش این است که خداوند به اهل ایمان می‌فرماید: هنگامی که در راه خدا قدم برمی‌دارید جستجو کنید و به کسانی که به شما اظهار می‌کنند اسلام را نگویند که شما مؤمن نیستید آنچه را که از حیات دنیا طلب دارید و در انتظارش هستید، کنار بگذارید که غنیمت‌های بسیار نزد خداست.

در شأن نزول این آیه گفته شده که بعد از جنگ خیبر رسول خدا اسامه را به همراه عده‌ای به روستای فدک فرستاد برای اینکه آن قبیله و قوم را که یهودی بودند دعوت به اسلام بکند و یا اگر اسلام را نپذیرفتند شرایط ذمه را قبول کنند. اسامه به همراه این جمع به آنجا رفتند و یکی از اهالی به استقبال آنها آمد و شروع به اظهار اسلام کرد و شهادتین گفتن ولی اسامه او را کشت به این گمان که او مسلمان نیست و از ترس جان و مالش اظهار اسلام می‌کند خبر که به پیامبر رسید به شدت غضب ناک شدند و به اسامه فرمود که تو یک مسلمان را کشتی. اسامه در پاسخ عرض کرد که من می‌دانم او حقیقتاً اسلام نیاورده و فقط ظاهراً اسلام آورده است؛ پیامبر فرمودند که این مطلب را از کجا می‌دانی تو که از باطن و نیت او خبر نداری. بعد این آیه نازل شد.

در این آیه وعده داده شده مغانم کثیر به کسانی که از دنیا روی گردان شوند و به آخرت اخذ کنند، کسانی که غنائم دنیا را ترک کنند و به غنائم آخرت توجه کنند. یک جهت این بود که ممکن بود به خاطر غنیمت و امور دنیایی افرادی را که اظهار اسلام می‌کنند از بین ببرند. در این آیه قطعاً مراد از مغانم ثواب و پاداش اخروی است برای اینکه قبل از این جمله این را دارد «تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا».

مقابله مغانم عندالله با مغانم دنیا به این معنی است که این غنیمت مربوط به آخرت است. همه چیزهایی که در دنیا است اگر کسی از آن روی گردان شود ثواب و غنیمت اخروی به او داده می‌شود. این دلالت می‌کند بر اینکه کلمه مغانم و غنیمت به هر

فائده و منفعتی ولو اخروی اطلاق می‌شود در اینکه اینجا منظور از مغنم پاداش و اجر اخروی است تردیدی نیست به قرینه خود آیه؛ اگر به ثواب و پاداش اخروی کلمه غنیمت اطلاق شود معلوم می‌شود که این کلمه اولاً اختصاص به آن چیزهایی که انسان در جنگ می‌گیرد ندارد و ثانیاً اختصاص به آن چیزهایی که مربوط به این دنیا هم هست، ندارد و مطلق الفائدة و مطلق المنفعة اعم من آن یکون دنیویاً أو اخرویاً را شامل می‌شود. و در دنیوی هم اعم من آن یکون من اشیاء جنگی و غیر جنگی پس این یک مورد از استعمالات آیه که معنای عامی دارد و به خصوص غنیمت دار الحرب اطلاق نشده و مطلق فائده و منفعت حتی امور معنوی و اخروی را شامل می‌شود.

نکته: چنانچه عرض کردیم در معنای لغت پنج معنی ذکر شده دو معنی اصلاً هیچ ریشه‌ای در کلمات متقدمین و ارکان و اعلام اهل لغت ندارد و سه معنای دیگر هم نهایتاً به دو معنی برگشت یکی الفوز و الاصابة بشیء و دیگری الفوز و الاصابة بشیء بلامشقة؛ این مغنمی که در آیه منطبق شده بر مغنم آخرت اینجا آیا من دون مشقة است یا مع مشقة؟

یک احتمال این است که بگوییم من دون مشقة حاصل شده برای اینکه این مغنم به خاطر کثرت و عظمت و جاودانگی آن نسبت به اعمال این دنیا اصلاً قابل مقایسه نیست پس فی الواقع چون مقایسه می‌شود این منفعت برای عمل این دنیا که محدود است لذا می‌توان گفت مغنم آخرت بدون مشقت حاصل می‌شود.

احتمال دیگر این است که بگوییم بهرحال عمل صالح در این دنیا مقرون به مشقت است درست است که نسبت به منفعت آخرت چیزی نیست ولی بهرحال کسی که در راه خدا جهاد می‌کند و یا کسی که در تابستان روزه می‌گیرد اینها بالاخره به نسبت دنیا در حد خودش رنج و سختی و مشقت است اگر قول اول را بگوییم این موافق با قول کسانی است که معتقدند که غنم فوز به شیء است مع عدم مشقة و اگر احتمال دوم را بگوییم این مطابق با قول کسانی است که غنم را فوز و افازة به شیء مع مشقة می‌دانستند که البته اشاره کردیم که این احتمال هرچند برخی از لغویین گفتند ولی چون در کلمات قدما نیست مورد قبول ما هم نیست.

آیه دوم: فتح / ۱۵

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَائِمٍ لِّتَأْخُذُوا بِهَا زُرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا.

در این آیه خداوند متعال به پیامبر می‌فرماید به زودی مخلفون یعنی آنهایی که در جریان سفر مربوط به صلح حدیبیه که نهایتاً منجر به صلح شد، به شما خواهند گفت که ما می‌خواهیم در جنگ خیبر با شما همراه باشیم به خاطر غنیمت‌هایی که می‌دانند نصیب شما می‌شود اما آنها می‌خواهند کلام خدا را تغییر دهند بگو شما هرگز نمی‌توانید ما را در این سفر همراهی کنید خداوند مقصد شما را از قبل گفته.

اصل ماجرا مربوط به سفری است که منجر به صلح حدیبیه شد وقتی پیامبر از آن سفر برمی‌گشتند خداوند متعال بشارت داد به پیامبر و پیامبر این بشارت را به مؤمنین داد که کسانی که در این سفر همراه او هستند به زودی در جنگ خیبر پیروز خواهند شد و به آنها دستور داد در آن شرکت کنند و غنائم آن هم از کسانی است که در آن شرکت کنند. این بشارت به اینکه غنائم مال شرکت‌کنندگان در جنگ خیبر است به گوش کسانی که به بهانه‌های مختلف پیامبر را در سفر حدیبیه همراهی

نکرده بودند رسید لذا از پیامبر خواستند که اجازه دهید که ما هم در این جنگ شرکت کنیم ولی به واسطه این آیه پیامبر مقصود از شرکت آنها را می دانست و اجازه همراهی به آنها نداد.

شاهد در مغنم است که این مغنم در این آیه قطعاً خصوص غنائم جنگی است در این آیه با توجه به آنچه که مربوط به یک واقعه خاص است قطعاً مربوط به غنائم جنگی است. حال بعداً در پاسخ به عامه که غنائم را خصوص غنائم جنگی می دانند و از این راه وارد شده اند که در این آیه مراد غنائم جنگی است خواهیم گفت که اگر از این آیه که منظور از آن خصوص غنائم یک جنگ است آن را به همه غنائم جنگها سرایت داد می توان به غیر از غنائم دار الحرب هم توسعه داد. در هر صورت مغنم در این آیه قطعاً منظور غنائم جنگی است.

آیه سوم: فتح / ۱۹

«وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»

در این آیه خداوند وعده مغنم کثیری را به آنها می دهد؛ ابتدا در آیه ۱۵ فرمود که کسانی که باقی ماندند و شما را همراهی نکردند، حق شرکت در جنگ خیبی را ندارند و در آیه ۱۹ می فرماید و مغنم زیادی است که نصیب مؤمنین خواهد شد که در آیه ۲۰ هم خداوند وعده مغنم بیشتری می دهد که بیان خواهیم کرد. در آیه ۱۹ ظاهر این است که این هم به خصوص غنیمت دار الحرب اشاره دارد. مرحوم شیخ طوسی در تبیان مدعی است که این اشاره به همان غنائم خیبی دارد ظاهر هم همین است چون آیات قبلی اشاره به جنگ خیبی و اخذ مغنم بسیار کرده و در ادامه که می فرماید مغنم زیادی نصیب مسلمین می شود ظاهر این است که به جنگ خیبی مربوط می شود.^۱ البته یک احتمالی را بعضی گفته اند که این اشاره به مغنم هوازن داشته باشد در هر صورت از این آیه هم استفاده می شود منظور از مغنم مغنم دار الحرب است.

آیه چهارم: فتح / ۲۰

«وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ يَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»

خداوند مغنم زیادی به شما وعده داده که شما آن را خواهید گرفت لکن این غنیمت به زودی نصیب شما خواهد شد. سیر این آیات نشان می دهد که ابتدا خداوند متعال فرمود این مخلفون و قاعدین اجازه شرکت در جنگ بعدی که غنیمت های زیادی نصیب شما خواهد شد را ندارد و بعد در آیه ۱۹ فرمود آنهایی که همراه شما می آیند مغنم زیادی نصیبشان خواهد شد و بعد در آیه ۲۰ می فرماید که این غنیمت را خدا نزدیک کرد ولی بعد از این مغنم زیادی را خدا وعده داده که نصیب مسلمین خواهد شد. مغنم در آیه ۲۰ دو احتمال در آن وجود دارد: یک احتمال این است که برای مسلمین جنگ های بسیاری پیش خواهد آمد و در آن جنگها غنائم فراوانی به مسلمین خواهد رسید.

پس یک احتمال این است که منظور مغنم جنگی باشد که بعد از آن در جنگها نصیب مسلمانان می شود. یک احتمال هم این است که خداوند متعال اشاره می کند که مؤمنین نه تنها در این جنگ بلکه الی یوم القیامة غنیمت ها و منافع بیشماری به آنها خواهد رسید که این احتمال دوم مطابق نظر برخی از مفسرین هم هست؛ در تفسیر روح المعانی از ابن عباس و مجاهد و جمهور مفسرین نقل می کند «هی علی ما قال ابن عباس و مجاهد و جمهور المفسرین ما وعد الله تعالی المؤمنین من المغنم

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۲۸ / روح المعانی، ج ۱۳، ص ۲۶۳.

الی یوم القیامة» خداوند متعال اینجا دارد می گوید که مؤمنین نه تنها در این جنگ و جنگ های بعدی الی یوم القیامة منافع و فواید زیادی نصیبشان خواهد شد.^۱

در این مورد به نظر می رسد حق این است که مغانم در این آیه معنای اعمی دارد و مطلق فوایدی را که نصیب مسلمین می شود شامل می شود لذا به نظر می رسد این آیه ظهور در غنیمت به معنای مطلق فائده و منفعت است.

آیه پنجم: انفال / ۶۹

«فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلالاً طَيِّباً وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

در این آیه هم امر شده به استفاده از غنیمت ها به اینکه حلال و طیب و پاکیزه است برای شما؛ این آیه هم مربوط می شود به یک حکمی از احکام جهاد و آن حکم همان جواز اخذ فداء است. بعد از جنگ بدر این آیه نازل شد بعضی از انصار به پیامبر مراجعه کردند و گفتند که ما هفتاد نفر را کشتیم و هفتاد نفر را اسیر گرفتیم که همگی از قبیله شما هستند به ما اجازه دهید که فداء بگیریم و اینها را آزاد کنیم این آیه نازل شد و اجازه اخذ فداء داده شد یعنی یک مالی در برابر آزادی این اسرا؛ این ماغنمتم در واقع برای بیان جواز اخذ فداء است و اینکه می توانید از آنچه که در برابر آزادی اسیران می گیرید استفاده کنید که حلال و طیب و پاکیزه است. این ماغنمتم در این آیه به چه معناست؟ قطعاً شامل فداء می شود یعنی مربوط به اسرائی است که در برابر آزادی آنها یک پولی می خواهد گرفته شود پس از غنائم جنگی محسوب می شود.

احتمال هم دارد که این ماغنمتم یک معنای عامی هم داشته باشد. درست است مورد آن مربوط به غنائم جنگی است اما مورد مخصص نیست هر چیزی که غنیمت باشد کلاً طیباً غیر از این هم هر منفعتی که نصیب شما شد کلاً طیباً اینجا هیچ وجهی برای اختصاص به غنائم دار الحرب نیست لذا اینجا به نظر ما یک معنای عامی دارد و شامل هر فائده و منفعتی که نصیب انسان شود، می گردد.

بحث جلسه آینده: بحث در آیه ششم که آیه خمس یعنی آیه ۴۱ سوره انفال است، خواهد بود که بحث آن به تفصیل در جلسه آینده مطرح خواهد شد إنشاء الله.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. روح المعانی فی تفسیر القرآن، ج ۲۶، ص ۳۶۶.